

## The Interaction of Environmental Challenges and Foreign Relations of Iran in the Qajar Era

*Mahya Danesh*<sup>1</sup>  
*Ramin Kiani*<sup>2</sup>

This research investigates the interaction between environmental challenges and Iran's foreign relations during the Qajar era. In this period, crises such as famine, contagious diseases, and drought were exacerbated by internal mismanagement and external pressures, particularly from colonial powers like Russia and Britain. Using a process-tracing methodology, this article analyzes the complex relationship between these two domains in two distinct periods, "before World War I" and "during the War," to answer how these two spheres mutually influenced each other. In the pre-war period, factors such as the Russo-Persian wars, economic dependency, and colonial policies intensified environmental crises. During World War I, the occupation of Iran and the weakness of the central government led to the great famine and the spread of deadly diseases. The findings indicate that the combination of internal mismanagement and external pressures not only deepened environmental challenges but also left lasting negative impacts on Iran's foreign relations. This study emphasizes the importance of proactive diplomacy and effective domestic policymaking to reduce environmental vulnerabilities.

▪ **Keywords:**

Iran, Qajar Era, Foreign Relations, Environmental Challenges, Interactions.

---

<sup>1</sup>. M.A. Student in Law and Diplomacy, Tufts University, Massachusetts, USA (Corresponding Author). mahya.danesh@tufts.edu

<sup>2</sup>. M.A. in International Relations, University of Tehran, Tehran, Iran. ramin.kiani@ut.ac.ir



## برهمن کنش چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ایران در عصر قاجار

محیا دانش<sup>۱</sup>

رامین کیانی<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش به بررسی تعاملات میان چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ایران در دوران قاجار می‌پردازد. بحران‌هایی چون قحطی، بیماری‌های واگیردار و خشکسالی که از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی در این دوره بودند، تحت تأثیر عوامل داخلی و فشارهای خارجی به‌ویژه روابط ایران با قدرت‌های استعماری روسیه و بریتانیا تشدید شدند. پژوهش حاضر با استفاده از روش ردیابی فرآیند به تحلیل رابطه پیچیده میان چالش‌های زیست‌محیطی و سیاست‌های خارجی ایران در دو مقطع زمانی پیش از جنگ جهانی اول و دوره جنگ جهانی اول می‌پردازد و تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه این دو حوزه بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند. در دوره پیش از جنگ، جنگ‌های ایران و روس، وابستگی اقتصادی به کشورهای خارجی و سیاست‌های استعماری باعث تشدید بحران‌هایی نظیر قحطی و وبا شد. در دوره جنگ جهانی اول، اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه و ضعف حکومتی منجر به قحطی گسترده و شیوع بیماری‌های کشنده شد. نتایج نشان می‌دهند که سوءمدیریت داخلی در کنار فشارهای خارجی، نه تنها چالش‌های زیست‌محیطی را عمیق‌تر کرد، بلکه بر روابط خارجی ایران نیز تأثیرات منفی و دامنه‌داری برجای گذاشت. این مطالعه بر اهمیت اتخاذ سیاست‌های مؤثر داخلی و دیپلماسی فعال در کاهش آسیب‌پذیری‌های زیست‌محیطی و بهبود تعاملات بین‌المللی تأکید می‌کند.

### واژگان کلیدی:

ایران، عصر قاجار، روابط خارجی، چالش‌های زیست‌محیطی، برهمن کنش‌ها.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

<sup>۱</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق و دیپلماسی دانشگاه تافتس، ماساچوست- آمریکا (نویسنده مسئول)

mahya.danesh@tufts.edu

<sup>۲</sup>. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران- ایران ramini.kiani@ut.ac.ir



## مقدمه

امنیت زیست‌محیطی مفهومی است که پس از پایان جنگ سرد وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد و جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های سیاسی و امنیتی یافت. با گذر از نگاه سنتی به امنیت که عمدتاً بر امنیت نظامی و حفاظت از تمامیت ارضی دولت‌ها متمرکز بود، چالش‌های زیست‌محیطی نظیر تغییرات اقلیمی، بحران منابع، بلایای طبیعی و تأثیرات انسانی بر زیست‌بوم به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق تهدیدات نوظهور مطرح شدند (Graeger, 1996: 109). این تحولات، نگرش جهانی را نسبت به امنیت متحول کرد و ابعاد آن را به حوزه‌های انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی گسترش داد.

یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه متعلق به باری بوزان<sup>۱</sup> استاد روابط بین‌الملل است که امنیت زیست‌محیطی را نه به معنای امنیتی کردن مشکلات زیست‌محیطی که به معنای برجسته کردن اهمیت آنها در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بازیگران دولتی و غیردولتی می‌داند. بحران‌های زیست‌محیطی می‌توانند به سه دسته اصلی تقسیم شوند: بلایای طبیعی نظیر زلزله و سیل، بحران‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی مانند قحطی و بیماری‌های واگیردار و چالش‌های ترکیبی همچون تغییرات اقلیمی که بخشی ناشی از طبیعت و بخشی دیگر معلول فعالیت‌های بشری هستند (Buzan et al., 1998: 71\_74).

این مسائل در ایران از دیرباز به‌ویژه در دوران قاجار به شکل عمیق‌تری با ساختارهای حکمرانی و روابط خارجی کشور گره خوردند. دوران قاجار شاهد وقوع بحران‌های زیست‌محیطی گسترده‌ای بوده که در بسیاری از موارد با مسائل سیاست خارجی کشور پیوند یافتند. از جمله این بحران‌ها می‌توان به قحطی‌های گسترده، شیوع بیماری‌های واگیردار نظیر وبا و طاعون و خشکسالی‌های شدید اشاره کرد. این بحران‌ها نه تنها تحت تأثیر عوامل داخلی، بلکه در نتیجه روابط خارجی ایران با قدرت‌های استعماری نظیر روسیه و بریتانیا تشدید شدند. بررسی این موضوع از منظر تاریخی، اهمیت امنیت زیست‌محیطی را در شکل‌گیری روابط بین‌الملل و سیاست‌گذاری کشورها برجسته می‌کند و به درک عمیق‌تری از پیامدهای تاریخی این چالش‌ها کمک می‌نماید. دوران قاجار به عنوان نقطه آغاز بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی ایران که تا امروز ادامه یافته‌اند، بستر مناسبی برای بررسی اثرات متقابل چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ارائه می‌دهد.

<sup>۱</sup>. Barry Buzan

در این پژوهش به این مسئله پرداخته شده که کدام یک از بحران‌های زیست‌محیطی در عصر قاجار تحت تأثیر روابط خارجی شکل گرفته و تا چه حد این بحران‌ها بر روابط خارجی تأثیرگذار بوده‌اند. به همین منظور، برهم‌کنش میان این دو مؤلفه در دو مقطع زمانی بررسی شده است:

۱. پیش از جنگ جهانی اول: ایران در این بازه زمانی با بحران‌هایی همچون قحطی، کمبود مواد غذایی و شیوع بیماری‌های واگیردار مانند وبا مواجه بود. این چالش‌ها، تحت تأثیر عواملی مانند جنگ با روسیه و تغییرات اقتصادی ناشی از گذار از اقتصاد معیشتی به سرمایه‌داری تشدید شدند.

۲. پس از آغاز جنگ جهانی اول: اشغال ایران توسط نیروهای روس و انگلیس، احتکار غله توسط عوامل داخلی و کمبود شدید مواد غذایی باعث بروز بحران گرسنگی، کمبود نان و شیوع بیماری‌های واگیردار شدند.

این پژوهش بر آن نیست که نقش عوامل داخلی در بروز بحران‌های زیست‌محیطی دوره قاجار را به کلی نادیده بگیرد. با این حال، تمرکز اصلی تحقیق بر تحلیل پیوند میان روابط خارجی و شدت‌یابی این چالش‌ها است. رویکرد اتخاذ شده تلاش دارد از منظری جدید به بررسی این موضوع بپردازد؛ منظری که نقش مداخلات خارجی، اشغال نظامی، مصادره منابع طبیعی و سیاست‌های استعماری را در تشدید بحران‌های زیست‌محیطی ایران مورد توجه قرار می‌دهد. در این چارچوب، عوامل داخلی همچون ضعف ساختار حکومتی، کمبود زیرساخت‌های ارتباطی و ناتوانی در مدیریت بحران، در حد ضرورت مورد اشاره قرار گرفته‌اند (نعمتی و بیگدلو، ۱۴۰۱: ۷۴-۶۵)، اما تحلیل و تأکید اصلی بر تأثیرگذاری روابط خارجی بر محیط زیست انسانی و معیشتی ایران متمرکز است.

پژوهش حاضر با بررسی تعاملات میان چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ایران در دوران قاجار تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه این دو حوزه بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند. تحلیل تاریخی این دوران، از یک سو نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های خارجی نظیر جنگ‌ها، اشغال نظامی و وابستگی اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی را تشدید کرده‌اند و از سوی دیگر روشن می‌سازد که این بحران‌ها چگونه با ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی و تضعیف داخلی، بر سیاست خارجی کشور تأثیر گذاشته‌اند.

هدف از این پژوهش بررسی تاریخی برخی چالش‌های زیست‌محیطی در ایران و یادآوری این نکته است که سوءتدبیر در دستگاه دیپلماسی و بی‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی

می‌تواند به ایجاد ناامنی‌های پایدار منجر شود. این ناامنی‌ها ممکن است از طریق مسیرهای غیرمنتظره‌ای بر کشور اثر بگذارند و در صورت تداوم، شکل‌های پیچیده‌تری به خود بگیرند. افزون بر این، برخی بحران‌های زیست‌محیطی می‌توانند روابط خارجی کشور را به‌ویژه در حوزه‌های تجارت و سیاست، به شدت تحت تأثیر قرار دهند و نتایج زیانباری را به همراه داشته باشند.

### پیشینه پژوهش

برای بررسی رابطه چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی در دوران قاجار از محدودیت‌های اساسی این پژوهش، کمبود منابعی است که به‌طور مستقیم به این مسئله پرداخته باشند. از این رو، برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش لازم است آثاری که به‌طور غیرمستقیم با مفروضات این تحقیق مرتبط هستند، بررسی شوند. این منابع شامل سفرنامه‌ها، زندگینامه‌ها، معاهدات و آثار تاریخی است که به‌ویژه به ناامنی زیست‌محیطی دوران قاجار اشاره دارند که می‌توان آنها را در دو دسته کلی مورد بررسی قرار داد.

دسته اول آثاری هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فجایع زیست‌محیطی دوران قاجار پرداخته‌اند. در این گروه می‌توان به آثار شوکو اوکازاکی (۱۳۶۵) و عبدالله مستوفی (۱۳۴۳) اشاره کرد که به‌طور مفصل قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ ق. را شرح داده‌اند و جزئیات وحشتناک این فجایع را به تصویر کشیده‌اند. این آثار بیشتر بر نقش حکومت مرکزی تأکید دارند و کمتر به تأثیر روابط خارجی ایران بر وقوع این بحران‌ها پرداخته‌اند. محمد نعمتی و رضا بیگللو (۱۴۰۱) با تحلیل داده‌های تاریخی نشان داده‌اند که ناامنی، راهزنی، سقوط تجارت داخلی، نابودی تولید کشاورزی و تضعیف زیرساخت‌های اقتصادی، زمینه‌ساز بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی نظیر قحطی بوده است. علاوه بر این، همانا ناطق (۱۳۵۶) و ژان منبورگ (۱۳۹۴) نیز به بیماری‌های واگیردار مانند طاعون و وبا اشاره کرده‌اند که در دوران قاجار، چالش‌های زیست‌محیطی جدی برای حکومت به‌شمار می‌رفت. این منابع به تحلیل علل داخلی این بحران‌ها پرداخته‌اند، اما از نقش روابط خارجی در بروز یا تشدید آنها غفلت کرده‌اند. در کنار اینها، اثری چون سیف (۱۳۷۴) که به بررسی روابط تجاری ایران در قرن نوزدهم میلادی پرداخته است، ریشه‌های قحطی بزرگ را در جنگ‌های ایران و روس جستجو می‌کند و به نقش تجارت خارجی ایران در این بستر اشاره می‌کند. همچنین استفانی کرونین (۱۴۰۰) به تأثیر ورود اقتصاد سرمایه‌داری اروپایی به ایران پرداخته و توسعه تجارت خارجی را عاملی مؤثر در تشدید قحطی می‌داند. این آثار بر نقش تجارت خارجی تأکید دارند، اما به سایر ابعاد

روابط خارجی ایران توجه نکرده‌اند. در این زمینه، محمدقلی مجد (۱۴۰۰) به طور خاص به تأثیرات سیاست خارجی در دوران جنگ جهانی اول پرداخته و اشغال ایران توسط نیروهای بیگانه (خصوصاً انگلیسی‌ها) را عامل بروز قحطی و شیوع بیماری‌های واگیردار می‌داند. این اثر از مهم‌ترین مطالعات در این زمینه است، اگر چه تمرکز آن تنها بر ابعاد سیاسی روابط خارجی است و سایر عوامل کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

دسته دوم آثاری هستند که به تأثیر چالش‌های زیست‌محیطی دوران قاجار بر روابط خارجی ایران پرداخته‌اند. در این میان اثر مرتضی دهقان‌نژاد و مسعود کثیری (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر بیماری‌های واگیردار و سیاست‌های قرنطینه‌ای بر ابعاد مختلف روابط خارجی ایران می‌پردازد. این اثر به‌ویژه نشان می‌دهد که سیاست‌های قرنطینه‌ای اعمال‌شده توسط دولت‌های خارجی، روابط خارجی ایران را در مقطعی به چالش کشیده است. زهرا قنبری مله (۱۴۰۲) عوامل قحطی بزرگ را ترکیبی از مسائل اقلیمی، احتکار، ضعف حکومت قاجار و نیز مداخلات قدرت‌های استعماری به‌ویژه بریتانیا می‌داند. این پژوهش نشان می‌دهد که قحطی نه تنها ناشی از خشکسالی بود، بلکه سیاست‌های اشغالگری و مصادره غلات توسط نیروهای خارجی نیز در آن نقش اساسی داشتند. در همین راستا، اعظم محمدسلیمانی (۱۳۹۷) بیان می‌کند که با وجود اعلام بی‌طرفی رسمی ایران، این کشور مورد اشغال متفقین و متحدین قرار گرفت و پیامدهایی نظیر قحطی گسترده، تجزیه عملی سرزمین، فروپاشی اقتصادی و افزایش وابستگی به قدرت‌های خارجی در ایران رخ داد. در پژوهش دیگری، الهام ملک‌زاده (۱۴۰۰) بیان می‌کند که عواملی چون ضعف ساختار حکومتی قاجار، احتکار غله و مشکلات اقلیمی، حضور نیروهای بیگانه به ویژه انگلیسی‌ها و سیاست‌های استعماری آنان از عوامل اصلی تشدید قحطی و گرسنگی در ایران بوده است. او نقش مداخلات خارجی را در ابعاد اقتصادی و معیشتی جامعه ایران در خلال جنگ جهانی اول پررنگ تر ساخته است. الهه جعفری، بشیر اسماعیلی و اسماعیل شفیعی سروستانی (۱۴۰۳) نیز چنین مطالب مشابه‌ای را بیان می‌کنند. آنها نشان می‌دهند که مصادره غلات، تبلیغات سوء علیه گروه‌های داخلی، مصادره منابع طبیعی و نقض بی‌طرفی ایران توسط نیروهای بیگانه از جمله عواملی بودند که بحران را از یک قحطی طبیعی به یک فاجعه انسانی بزرگ تبدیل کردند. همچنین مصطفی ملایی (۱۳۹۸) به طور خاص به تأثیر قحطی و بیماری‌های واگیردار در دوران جنگ جهانی اول بر تجارت خارجی ایران پرداخته است. این اثر به‌ویژه در زمینه صادرات فرش ایران در دوران قاجار و تأثیر بحران‌های زیست‌محیطی بر آن، مطالعه‌ای کم‌نظیر به شمار می‌آید. علی‌رغم تلاش‌های

مفید و ارزنده‌ای که در این زمینه انجام شده است، هیچیک از این پژوهش‌ها به طور جامع و دوسویه به چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی در دوران قاجار نپرداخته‌اند. بیشتر این آثار به صورت توصیفی به شرح وقایع پرداخته‌اند و به نقش روابط خارجی در ایجاد یا تشدید بحران‌ها توجه نکرده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به تحلیل رابطه متقابل میان چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ایران در این دوران می‌پردازد.

### مبانی نظری پژوهش

موضوع این پژوهش که به بررسی تأثیرات متقابل چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ایران در دوران قاجار می‌پردازد، نیازمند استفاده از مبانی نظری متناسب با امنیت زیست‌محیطی و تأثیر آن بر سیاست‌های خارجی است. از آنجا که این پژوهش با مقوله‌های امنیت، چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ارتباط نزدیکی دارد، استفاده از مفاهیم و نظریات امنیت زیست‌محیطی برای جهت‌دهی به داده‌های یافت‌شده ضرورت دارد. در این راستا، باری بوزان نظریه‌پرداز برجسته مکتب کپنهاک و از پیشگامان ترکیب مقوله‌های امنیت و محیط‌زیست معتقد است که محیط‌زیست، دیگر یک عامل ثابت و زمینه‌ای نیست و تهدیدات زیست‌محیطی حتی تهدیدات کوچک می‌توانند فعالیت‌های داخلی یک دولت را با آثار آن در کشوری دیگر پیوند دهند. از این رو، باید این تهدیدات را در بستر روابط بین‌الملل و مفاهیم امنیتی مورد بررسی قرار داد (Buzan et al., 1998: 92).

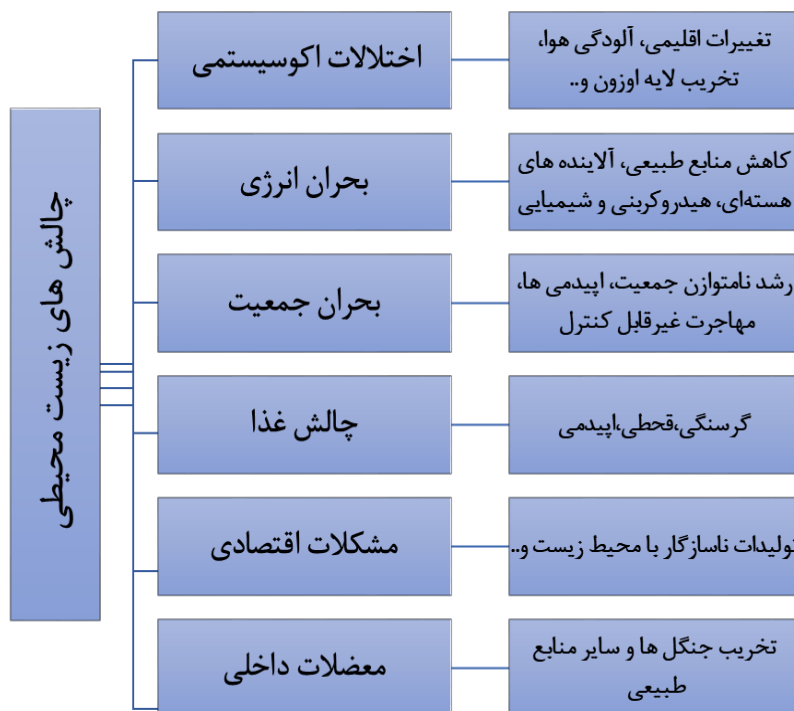
مفهوم امنیت که پیش از این تنها به توانایی‌های نظامی، برقراری صلح پس از جنگ، جلوگیری از تجاوز خارجی و حفظ تمامیت سرزمینی محدود می‌شد، اکنون تعریف گسترده‌تری پیدا کرده است. از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، تهدیدات زیست‌محیطی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت مطرح شدند. این تهدیدات به قدری اهمیت پیدا کردند که امروزه بخش عمده‌ای از تصمیم‌سازی‌ها در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی تحت تأثیر این چالش‌ها قرار دارد (فرهادی، ۱۳۹۹: ۱۹۳).

در این پژوهش برای تبیین بهتر تهدیدات زیست‌محیطی و چالش‌های بوم‌شناسی از طبقه‌بندی تهدیدات زیست‌محیطی توسط باری بوزان استفاده شده است. بوزان معتقد است که امنیت زیست‌محیطی تنها یک بُعد نظامی ندارد و با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی در هم تنیده است. این تهدیدات از دیدگاه بوزان باید در بستر کنشگری علمی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرند. کنشگران علمی شامل دانشمندان و مؤسسات تحقیقاتی

هستند که مشکلات زیست محیطی را شناسایی و فهرست می‌کنند. در مقابل، کنشگران سیاسی شامل نهادهای دولتی و غیردولتی‌اند که به نحوه برخورد با این تهدیدات پرداخته و سعی می‌کنند آنها را به مسائلی امنیتی یا غیرامنیتی تبدیل کنند (Buzan, 1998: 7). در گذشته، دشمنان مشترک ملی معمولاً کشورهای دیگر بودند، اما اکنون تهدیدات زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی و تخریب محیط‌زیست به تهدیدات مشترک جهانی تبدیل شده‌اند. توسعه نظامی، اقتصادی و بوم‌شناختی، نوعی منافع جهان‌شمول را القاء می‌کند که دولت‌ها و افراد را به هم نزدیک می‌سازد و نیازمند رویکردی یکپارچه به امنیت است (علی‌زاده و پیشگاهی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۳). این دیدگاه به وضوح در رویکرد بوزان نمود پیدا کرده و او امنیت را از منظر رابطه جزء با کل می‌بیند.

چالش‌های زیست‌محیطی می‌توانند هم از منشأ طبیعی ناشی شوند و هم به دست انسان‌ها ایجاد شوند. این بحران‌ها معمولاً به‌طور پیش‌بینی‌نشده و تاریخی رخ می‌دهند. بوزان تهدیدات زیست‌محیطی را در طبقات مختلفی دسته‌بندی کرده است که شامل: اختلالات اکوسیستمی (مانند تغییرات آب‌وهوایی، انقراض گونه‌ها، جنگل‌زدایی، بیابان‌زدایی، فرسایش خاک، تخریب لایه اوزون و آلودگی‌ها)، بحران انرژی (کاهش منابع طبیعی و آلاینده‌های هسته‌ای و شیمیایی)، بحران جمعیت (رشد بی‌رویه جمعیت و مشکلات بهداشتی)، چالش غذا (قحطی، گرسنگی و ناامنی غذایی)، مشکلات اقتصادی و معضلات داخلی (تخریب منابع طبیعی و جنگل‌ها) است (Buzan, 1998: 74). طبق این طبقه‌بندی، بحران‌هایی مانند قحطی و همه‌گیری‌ها در دوران جنگ جهانی اول و دوم و حتی پیش از آن در دسته چالش‌های غذایی قرار می‌گیرند. همچنین بحران‌هایی چون بحران آب و ریزگردها نیز از مصادیق اختلالات اکوسیستمی هستند. با توجه به این رویکرد، پژوهش حاضر در نظر دارد تا رابطه چالش‌های زیست‌محیطی با روابط خارجی ایران در دوران قاجار را بررسی کرده و آثار متقابل آنها را تبیین کند. در این راستا، هدف اصلی این است که نشان داده شود چگونه چالش‌های زیست‌محیطی مانند قحطی، همه‌گیری‌ها و بحران‌های زیست‌محیطی می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های ناامنی تلقی شوند و بر روابط خارجی یک کشور تأثیرگذار باشند. این بررسی می‌تواند در فهم بهتر و عمیق‌تر نحوه تعامل بحران‌های زیست‌محیطی و سیاست‌های خارجی کمک کند و به شفاف‌سازی تأثیرات این بحران‌ها در تعاملات بین‌المللی دوره قاجار بپردازد.

شکل ۱. چالش‌های زیست‌محیطی از نگاه باری بوزان



### روش تحقیق

برای بررسی این پژوهش، از روش «ردیابی فرآیند» استفاده شده است. این روش به تحلیل یک مورد بر اساس توالی وقایع می‌پردازد. به عبارت دیگر، در بررسی پدیده‌های اجتماعی نباید آنها را به صورت منفرد در نظر گرفت؛ بلکه باید فرآیند وقوع و توالی علّی حوادث متعاقب را مدنظر قرار داد. در این راستا، برای تبیین یک واقعه خاص ضروری است که مراحل مختلف وقوع آن شناسایی شود (طالبان، ۱۳۸۷: ۹۶). در واقع، روش ردیابی فرآیند به ارائه استنباط‌های علّی از موارد تاریخی می‌پردازد و نوعی توضیح نظام‌مند از وقایع گذشته ارائه می‌دهد (رنجبر و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱).

در این پژوهش، از آنجا که وقوع برخی چالش‌های زیست‌محیطی در عصر قاجار ناشی از روابط خارجی این دوره بوده و هم‌زمان بسیاری از بحران‌ها در روابط خارجی این دوران معلول این چالش‌ها هستند، لازم است که این مسائل در قالب یک فرآیند و نه به‌عنوان رخدادهایی

منفرد مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین، روش ردیابی فرآیند برای فهم رابطه پیچیده میان این چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی در دوره قاجار، ابزاری کارآمد و گره‌گشا به‌شمار می‌رود.

### تأثیر روابط خارجی بر بحران‌های زیست‌محیطی پیش از جنگ جهانی اول

مرور تاریخ پرچالش ایران در قرن نوزدهم میلادی نشان می‌دهد که این کشور بارها درگیر قحطی‌های گسترده و شیوع همه‌گیری‌های ویرانگر بوده است و برخی پژوهشگران این بحران‌ها را عمدتاً ناشی از عوامل داخلی می‌دانند. از جمله این عوامل می‌توان به فقدان سرمایه‌گذاری در حفظ و توسعه نظام‌های آبیاری (سیف، ۱۳۷۴: ۲۵۵)، نبود تسهیلات حمل‌ونقل، بهره‌وری پائین در کشاورزی (امیراحمدی، ۱۳۹۷: ۳۷)، عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی و پیامدهای آن در حوزه‌هایی نظیر آموزش، ارتباطات و بهداشت اشاره کرد. همچنین باورهای نادرستی چون پکی آب جاری و پیامدهای آن، نظیر تغسیل اجساد در رودخانه‌ها به همراه فقدان امکانات بهداشتی از جمله عوامل مؤثر بر گسترش بیماری‌ها بوده است (سیف، ۱۳۷۴: ۲۳۲). افزون بر این، سوءتدبیر و ناکارآمدی نظام سیاسی نیز نقشی مهم در ایجاد و تشدید این شرایط ایفاء کرده است. نبود نهادهای نظارتی قوی، فساد گسترده در میان مأموران محلی و ناتوانی در توزیع عادلانه غلات باعث شد تا بحران قحطی به سرعت از یک مشکل منطقه‌ای به یک فاجعه گسترده بدل شود (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۹-۹۷).

با این حال، این عوامل به تنهایی نمی‌توانند مقیاس وسیع و شدت این فجایع زیست‌محیطی را تبیین کنند. قرن نوزدهم میلادی شاهد خشکسالی‌های مکرر، قحطی‌های گسترده و شیوع همه‌گیری‌های مرگبار در ایران بود. به‌عنوان نمونه در بازه زمانی ۱۲۱۶ تا ۱۲۲۴ق. / ۱۸۰۱ تا ۱۸۰۹م. علاوه بر جنگ ایران و روسیه، شیوع وبا و وقوع زلزله‌ای ویرانگر در استان فارس، کشور را به مرز فروپاشی کشانید (سیف، ۱۳۷۴: ۲۳۲). به دنبال این حوادث، در سال ۱۲۲۳ق. / ۱۸۰۸م. وبایی مرگبار مناطق وسیعی از ایران را درنوردید و تنها در تهران طی مدت ۴۰ روز، بیش از ۱۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند. هنوز ایران از پیامدهای این بحران‌ها عبور نکرده بود که طاعون بزرگ ۱۲۲۴ق. / ۱۸۰۹م. سراسر کشور را دربرگرفت و خسارات سنگینی بر جای گذاشت (سیف، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

برای درک بهتر ابعاد این فجایع، گزارش کنسولگری‌های خارجی در ایران نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. به‌عنوان مثال، کنسول ادوارد ابوت<sup>۱</sup> یکی از کارگزاران فعال انگلیس در ایران

<sup>۱</sup>. Keith Edward Abbott

طی گزارشی محرمانه در سال ۱۲۲۹ق. / ۱۸۱۴م. اظهار داشت که تجارت بندر انزلی طی ۱۰ تا ۱۲ سال گذشته به شدت کاهش یافته و این کاهش عمدتاً به دلیل نابودی بخش عمده‌ای از جمعیت گیلان در اثر طاعون ۱۲۲۴ق. / ۱۸۰۹م. بوده است (سیف، ۱۳۷۴: ۲۳۸). همچنین ارلز فرانسیس مکنزی<sup>۱</sup> کنسول انگلیس در رشت، در سال ۱۲۳۰ق. / ۱۸۱۵م. گزارش داد که پس از طاعون بزرگ، بخش زیادی از جمعیت مذکر ایران از بین رفته و جای آنها با مهاجرانی از آذربایجان، مناطق مرکزی ایران و قفقاز پر شده است (سیف، ۱۳۷۴: ۲۳۹).

در فاصله زمانی ۱۲۹۱ تا ۱۲۶۰ق. / ۱۸۷۴ تا ۱۸۴۴م. ایران دست کم ۹ بار با شیوع وبا مواجه شد که اغلب با قحطی همراه بود و تلفات سنگینی برجای گذاشت. این شرایط نهایتاً منجر به کاهش دامنه‌دار جمعیت در بازه ۱۲۶۰ تا ۱۲۹۷ق. / ۱۸۴۴ تا ۱۸۸۰م. شد. چیرول، یکی از ناظران خارجی، در سال ۱۳۲۰ق. / ۱۹۰۲م. می‌نویسد: «به‌ندرت سالی می‌گذرد که در یکی از ایالت‌های ایران قحطی رخ ندهد» (امیراحمدی، ۱۳۹۷: ۳۵). این شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بحران‌های زیست‌محیطی قرن نوزدهم میلادی ایران نه تنها ناشی از عوامل داخلی، بلکه متأثر از عوامل خارجی نظیر روابط بین‌المللی و دخالت‌های خارجی نیز بوده است.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی قرن نوزدهم میلادی، ارتباط مستقیم این بحران‌ها با جنگ‌های ایران و روس است. با وجود نقش انکارناپذیر بی‌تدبیری و بی‌مسئولیتی نظام سیاسی در تشدید این شرایط، جنگ‌ها به‌عنوان محرک‌هایی مهم در وقوع این بحران‌ها شناخته می‌شوند. به عنوان نمونه، شیوع بیماری وبا در سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۲۳۶ق. / ۱۸۱۱ تا ۱۸۲۱م. که طبق گزارش‌های نوبویوشی فوروکاوا<sup>۲</sup> به استان‌های آذربایجان، بوشهر، شیراز، اصفهان، یزد و کاشان گسترش یافت، با پیامدهای جنگ‌های ایران و روس ارتباط تنگاتنگی داشت (تابناک، ۱۳۹۶، ۲). در این جنگ‌ها، علاوه بر خسارات مالی و تلفات انسانی، بیماری‌های واگیردار به دلیل شرایط غیربهداشتی و عدم امکانات کافی برای دفن اجساد جنگی در شمال غرب کشور شیوع یافت.

شکست‌های نظامی ایران در اوایل سده نوزدهم میلادی یکی از عوامل کلیدی در تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور بود. این شکست‌ها راه را برای نفوذ اقتصاد کشورهای اروپایی به ایران هموار کرد. در نتیجه، اقتصاد ایران به تدریج دچار وابستگی و کاستی‌های تجاری شد که به ویژه در قحطی‌های دهه ۱۳۱۰ هجری قمری / ۱۸۹۲-۱۸۸۲م. تأثیر به‌سزایی داشت (کرونین، ۱۴۰۰: ۸۰). این تحولات اقتصادی و پیامدهای آن نیازمند بررسی دقیق و مفصل هستند.

<sup>۱</sup>. Charles Francis MacKenzie

<sup>۲</sup>. Nabuyoshi Furukawa

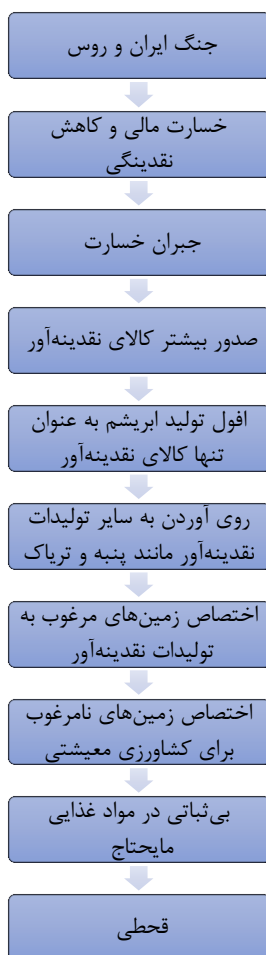
بحران‌های زیست‌محیطی اغلب با قحطی‌های گسترده همراه بوده‌اند و قحطی این دوران نیز بی‌ارتباط با جنگ‌های ایران و روس نیست. جنگ‌ها موجب کسری تراز پرداختی ایران شدند و نیاز به تأمین نقدینگی از طریق صادرات کالاهای ارزشمند نظیر ابریشم افزایش یافت. تا پیش از سال ۱۳۰۲ق./ ۱۸۸۵م. ابریشم یکی از مهم‌ترین محصولات نقدینه‌آور ایران بود. این محصول عمدتاً در مناطقی تولید می‌شد که به آبیاری مصنوعی وابسته نبودند و بارندگی سالانه برای کشت و کار کافی بود. با این حال، شیوع بیماری در کرم‌های ابریشم موجب کاهش تولید این محصول و از بین رفتن یکی از منابع اصلی ارزی کشور شد.

پس از افول تولید ابریشم، تولید محصولات نقدینه‌آور به مناطقی منتقل شد که نه آب کافی داشتند و نه از زمین‌های مرغوب و نظام‌های آبیاری پیشرفته بهره‌مند بودند. به این ترتیب، مرغوب‌ترین زمین‌های کشور به کشت محصولات صادراتی همچون تریاک، پنبه و تنباکو اختصاص یافت و زمین‌های کم‌بازده و کم‌آب مجبور به تولید مواد غذایی شدند. این انتقال، تعادل تولید مواد غذایی را به شدت مختل کرد و بی‌ثباتی سالیانه در تولیدات کشاورزی ایجاد کرد که یکی از پیامدهای آن، قحطی‌های گسترده بود (سیف، ۱۳۷۴: ۲۵۶).

از سوی دیگر، در خلال جنگ جهانی اول، نیروهای انگلیسی برای تأمین نیازهای ارتش خود در جبهه‌های هند و بین‌النهرین به صورت سازمان‌یافته اقدام به خرید اجباری، مصادره و احتکار غلات مناطق جنوبی ایران کردند (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۴-۱۰۲). این اقدامات موجب شد تا منابع غذایی داخلی به شدت کاهش یافته و دسترسی مردم بومی به آذوقه محدود شود که خود به گسترش ابعاد قحطی دامن زد. یکی دیگر از سیاست‌های اعمال شده توسط نیروهای استعماری انگلیس، منع صادرات غلات از جنوب ایران به سایر مناطق کشور بود. این اقدام که در راستای تأمین نیازهای نیروهای اشغالگر انجام گرفت، منجر به بحران غذایی در سایر نقاط ایران گردید و نشان‌دهنده تأثیر سیاست‌های استعماری در تشدید چالش‌های زیست‌محیطی و معیشتی کشور است (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۵).

اگر چه آمار دقیقی از تعداد کشته‌شدگان قحطی در دست نیست، شواهد تاریخی کاهش قابل توجه جمعیت ایران را تأیید می‌کنند. مجموع عوامل مذکور، شرایطی را ایجاد کردند که منجر به بروز بحران‌های زیست‌محیطی و انسانی در آن دوران شد. بررسی دقیق این موضوع به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان تأثیر هم‌زمان عوامل داخلی و خارجی را بر وقوع این چالش‌ها روشن کرد. این تحلیل، درک عمیق‌تری از دلایل و پیامدهای بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی آن دوره به دست می‌دهد.

## شکل ۲. پیامدهای جنگ ایران و روس بر تشدید قحطی‌ها



### تأثیر بحران‌های زیست‌محیطی بر روابط خارجی پیش از جنگ جهانی اول

روابط خارجی ایران در دوران پیش از جنگ جهانی اول نه‌تنها در بروز بحران‌های زیست‌محیطی موثر بود، بلکه خود نیز به‌طور مستقیم تحت تأثیر این بحران‌ها قرار داشت. این تأثیرات را می‌توان در شاخص‌هایی نظیر نرخ تجارت خارجی و اجرای سیاست‌های سخت‌گیرانه ورود اتباع ایرانی به کشورهای همسایه مشاهده کرد. یکی از نمونه‌های برجسته این تأثیرات، طاعون سال ۱۲۲۴ق. / ۱۸۰۹م. و پیامدهای آن در سال‌های ۱۲۲۴ تا ۱۲۲۹ق. / ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۴م. است که بخش قابل‌توجهی از جمعیت ایران را از بین برد و آثار منفی بر

تجارت خارجی کشور برجای گذاشت. به‌عنوان مثال، در این دوره واردات ایران از روسیه با کاهش چشمگیر ۸۳ درصدی مواجه شد و صادرات نیز به میزان ۵۳ درصد افت کرد. این داده‌ها نشان می‌دهد که کاهش در میزان مصرف داخلی ایران از کاهش در کل تولید فراتر بوده است. در چنین شرایطی، کاهش شدید جمعیت به عنوان یکی از دلایل اصلی این افت مطرح می‌شود (سیف، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

افزایش تعاملات اقتصادی بین‌المللی و گسترش مبادلات تجاری میان جوامع مختلف در قرن نوزدهم میلادی به شیوع گسترده بیماری‌های واگیردار مانند طاعون و وبا دامن زد. این بیماری‌ها اغلب از طریق مسیرهای تجاری و ارتباطات فرامرزی منتقل می‌شدند و گسترش می‌یافتند. در واکنش به این تهدیدات، کشورها به ایجاد قرنطینه به‌عنوان راه‌حلی پیشگیرانه روی آوردند. با این حال، اجرای قرنطینه با چالش‌ها و موانع متعددی روبرو بود. از جمله این موانع می‌توان به مخالفت‌های داخلی و مداخلات خارجی اشاره کرد که گاه موجب تنش میان دولت‌ها می‌شد (کشیری و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲). این سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه، علاوه بر تأثیرگذاری بر تجارت و روابط اقتصادی، ماهیت روابط خارجی ایران را نیز در این دوره شکل دادند و کشور را به سمت سیاست‌های بهداشتی و مدیریتی جدید سوق دادند.

هم‌زمان با شیوع وبا در ایران، قدرت‌های استعماری به ویژه انگلستان و روسیه اقدام به اعمال محدودیت‌های گسترده‌ای در مرزهای ایران کردند. این کشورها به بهانه کنترل بیماری، در بنادر جنوبی مانند بوشهر و بندر شمالی همچون آستارا، قرنطینه‌های اجباری برقرار نمودند و رفت‌وآمد کالا و افراد را برای دوره‌های طولانی متوقف کردند. این سیاست‌ها که گاه بیش از ضرورت بهداشتی شدت می‌یافت، موجب تشدید بحران اقتصادی، اختلال در تجارت خارجی ایران، و افزایش فشار بر جوامع محلی شد (قنبری مله، ۱۴۰۲: ۲۴۰).

دو کشور روسیه و بریتانیا به دلایل مختلفی علاقه‌مند به ایجاد قرنطینه در مرزهای ایران بودند. از دلایل بریتانیا می‌توان به حجم بالای مبادلات تجاری میان این کشور و ایران و همچنین همجواری ایران با هندوستان، مهم‌ترین کانون اقتصادی بریتانیا در آن زمان اشاره کرد. نیروهای انگلیسی در مناطق مختلف ایران با مصادره غلات و ارسال آن به جبهه‌های خود در هند و بین‌النهرین، بحران غذایی را به اوج رساندند. استفاده از سیاست زمین سوخته در برخی مناطق و خرید گسترده گندم حتی فراتر از نیاز ارتش نمونه‌هایی از این مداخله استعماری است. بریتانیا نه تنها در برابر گرسنگی مردم ایران مسئولیتی نپذیرفت، بلکه با تبلیغات هدفمند، گروه‌های مردمی را عامل کمبود غذا معرفی می‌کرد تا نقش خود را پنهان سازد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۰-۱).

در مقابل، روسیه نیز با انگیزه‌های مشابه تمایل داشت که در مرزهای خراسان و هندوستان، از طریق ایجاد قرنطینه بر اوضاع تسلط داشته باشد. با ظهور طاعون در بمبئی، دولت روسیه برای پیشگیری از انتقال بیماری به مرزهای خود، از دولت ایران درخواست کرد که در طول مرزهای ایران و افغانستان به‌ویژه در شاهراه سیستان به خراسان، ایستگاه‌های قرنطینه ایجاد کند. این پیشنهاد مورد موافقت ایران قرار گرفت و به اجراء درآمد (کثیری و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴).

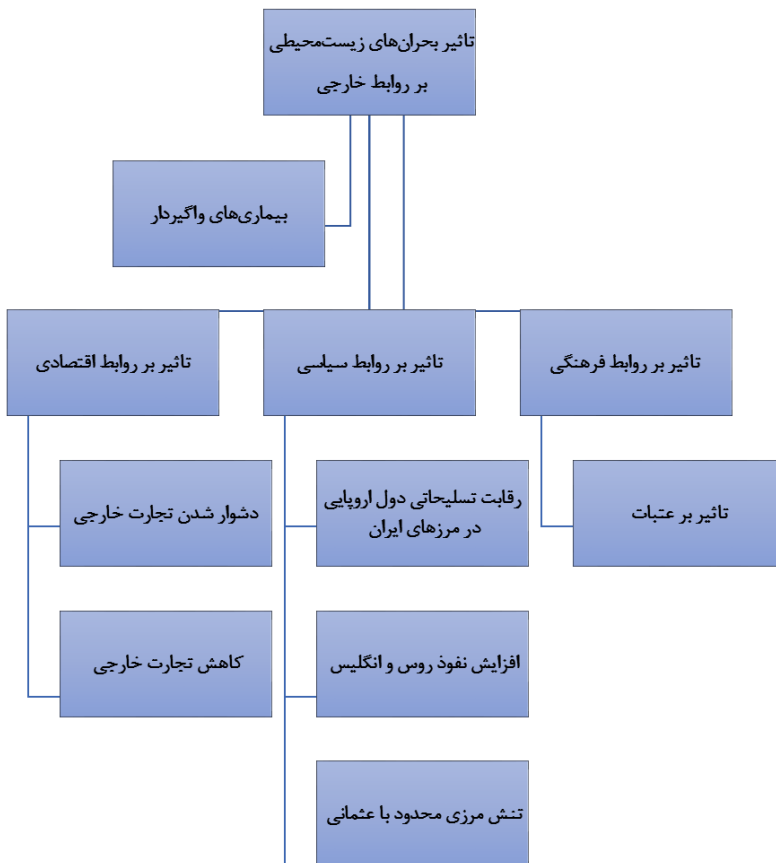
یکی از مشکلات فرهنگی میان ایران و روسیه که در نتیجه بحران بیماری و چالش قرنطینه به وجود آمد، به وبای سال ۱۲۸۸ ق. / ۱۸۷۱ م. بازمی‌گردد. اسناد تاریخی نشان می‌دهند که مأموران قرنطینه در برخورد با مسافران، ملاحظات شرعی را رعایت نمی‌کردند و این مسئله موجب بروز درگیری‌هایی میان آنان و مردم می‌شد. در برخی از این اسناد اشاره شده است که مأموران روسی در قرنطینه‌های مرزی، افراد زنده را نیز در میان اجساد دفن می‌کردند (کثیری و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۲: ۵).

از مهم‌ترین تأثیرات قرنطینه در روابط خارجی ایران، سوءاستفاده قدرت‌های خارجی برای تقویت مواضع سیاسی و نظامی خود بود. به‌عنوان نمونه، اسناد موجود نشان می‌دهد که مأموران عثمانی به بهانه ایجاد قرنطینه در شهر مرزی قزل‌دیج، تعداد ۶۰ عراده توپ و نیروهای نظامی زیادی را به این منطقه آورده و به مرزهای ایران تجاوز کردند. این روند نه تنها مختص عثمانی نبود، بلکه روس‌ها نیز از این بهانه برای تقویت حضور نظامی خود استفاده می‌کردند.

وزیرمختار روسیه، ارگی ریول در پاسخ به اعتراض دولت ایران در باره توقیف کاروان زیارتی پاتنا نواب در قرنطینه تربت‌حیدریه اظهار داشت: اگر انگلیس مأمور قرنطینه در ایستگاه‌های ایران در خلیج فارس بخواهد، روس‌ها متقابلاً مأمورانی در خراسان می‌خواهند. از سوی دیگر، دولت انگلیس نیز بر این باور بود که روسیه بیماری‌های مسری را بهانه‌ای برای کنترل ورود و خروج افراد از مرزهای هند به ایران قرار داده است. این حساسیت تا حدی بود که حتی در باره اشخاصی که برای مدیریت قرنطینه منصوب می‌شدند، تحقیقات دقیقی انجام می‌دادند. به عنوان مثال، هنگامی که دولت ایران قصد داشت پست قرنطینه‌ای در سیستان ایجاد کند، انگلیسی‌ها نسبت به صلاحیت فردی به نام سید محمد که مسئولیت این امر را برعهده داشت، تحقیق کردند. نتایج نشان داد که وی ابتدا در خدمت دولت انگلیس بوده و سپس به روس‌ها متمایل شده است. این امر موجب مخالفت شدید انگلیسی‌ها با تأسیس قرنطینه در این منطقه شد (کثیری و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۲: ۹).

ناکامی دولت ایران در برپایی قرنطینه‌های مؤثر به‌ویژه در بنادر جنوبی، فرصتی برای دخالت قدرت‌های اروپایی فراهم آورد. به‌طور کلی بحران‌های زیست‌محیطی نظیر همه‌گیری بیماری‌ها در این دوران تأثیرات گسترده‌ای بر روابط خارجی ایران با کشورهای همسایه و کشورهای اروپایی داشتند. این پیامدها باعث ایجاد مشکلاتی در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شده و دخالت‌های مستقیم خارجی در امور داخلی ایران را فراهم می‌آورد.

شکل ۳. پیامد بحران‌های زیست‌محیطی بر روابط خارجی ایران



### تأثیر روابط خارجی بر بحران‌های زیست‌محیطی پس از آغاز جنگ جهانی اول

در آغاز جنگ جهانی اول، دولت قاجار با اعلام بی‌طرفی رسمی تلاش کرد تا کشور را از پیامدهای جنگ دور نگه دارد. اما، این بی‌طرفی به دلیل اشغال نظامی خاک ایران توسط نیروهای روسیه و بریتانیا عملاً نادیده گرفته شد. اشغال بخش‌های وسیعی از شمال و جنوب ایران و استفاده از منابع کشور توسط این قدرت‌ها، افزون بر تضعیف اقتدار حکومت مرکزی، زمینه فروپاشی ساختار اقتصادی و تشدید بحران‌های اجتماعی را فراهم ساخت (جعفری و همکاران، ۱۴۰۳: ۵-۷).

بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد که روابط خارجی و به‌ویژه نقش دو قدرت اصلی آن زمان، روسیه و بریتانیا، تأثیرات غیرقابل انکاری بر وقوع و گسترش این بحران‌ها داشتند. اسناد موجود حاکی از آن است که تا ۹ ماه پیش از آغاز جنگ جهانی اول و حتی ۴ ماه پس از اشغال مجدد تبریز توسط روس‌ها و اهواز توسط انگلیسی‌ها، ارزاق و آذوقه به میزان کافی در دسترس بوده است. با این حال، شرایط از این دوره به بعد رو به وخامت گذاشت. مهم‌ترین عوامل این وخامت عبارت بودند از: فلج شدن دولت ایران به دلیل تهاجم بیگانگان و اشغال نظامی، تعدیات و غارت منابع محلی توسط ارتش روسیه، نبود امنیت داخلی ناشی از نقض قانون و اختلال در نظم عمومی و افزایش راهزنی در جاده‌ها که موجب توقف تجارت داخلی و خارجی شد (مجد، ۱۴۰۰: ۷۵). این مجموعه عوامل در سایه دخالت‌های خارجی و ضعف داخلی، شرایطی را پدید آورد که بحران‌های زیست‌محیطی نظیر قحطی و شیوع بیماری‌های واگیردار به اوج خود رسیدند و پیامدهای فاجعه‌باری را بر جمعیت و اقتصاد ایران تحمیل کردند. ادامه این وضعیت بحرانی به‌ویژه در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول به‌وضوح تأثیرات زیان‌بار روابط خارجی و ضعف داخلی را در وخامت شرایط زیستی و معیشتی مردم ایران آشکار ساخت.

نشریه زبان آزاد در شماره ۳ خود، مورخ ۱۷ رمضان ۱۳۳۵ ق. / ۹ اوت ۱۹۱۷ م. گزارشی از وخامت اوضاع اجتماعی و امنیتی ایران ارائه می‌دهد و چنین می‌نویسد که: «در این مدت مردم در معرض حدود ۳۰,۰۰۰ مورد راهزنی و نقض قانون قرار گرفته‌اند و ارتش روسیه نیز در این بی‌قانونی‌ها سهیم است» (زبان آزاد، ۱۹۱۷: ۲). بی‌قانونی‌ها و اقدامات خشونت‌بار نیروهای روس به حدی گسترش یافت که نگرانی‌های جدی از وقوع قحطی قریب‌الوقوع ایجاد شد. نامه‌ای از خانم وایلدِر پی. ایس<sup>۱</sup> مورخ ۲۱ ذیقعد ۱۳۳۵ ق. / ۱ اکتبر ۱۹۱۷ م. تصویری روشن از این شرایط بحرانی در ارومیه ارائه می‌دهد. او به حادثه آتش‌سوزی بازار ارومیه که توسط سربازان روس به وقوع پیوسته، اشاره کرده است و می‌گوید: «در ماه ژوئیه، در پی اقدام وحشیانه

<sup>۱</sup>. Wilder Prince Ellis

چند سرباز روس، هیجان و التهاب شهر را فرا گرفت. ارزش روبل که پیوسته در حال کاهش بود، تقریباً به هیچ رسیده بود. گروهی از سربازان روس که نمی‌توانستند با پول خود چیزی تهیه کنند، خشمگین شدند و پس از مواجهه با رفتار آزاردهنده چند تاجر بازار از کوره در رفتند و بازار را آتش زدند. آتش به سرعت همه‌جا را فرا گرفت و تقریباً تمام بازار سوخت. برای ما که ویرانه‌های دود را تماشا می‌کردیم، صحنه‌ای فراموش‌نشدنی بود» (مجد، ۱۴۰۰: ۱۱۳).

تعدیات نیروهای روس تنها بخشی از عواملی بود که بحران‌های معیشتی ایران را در دوران جنگ جهانی اول تشدید کرد. شواهد تاریخی حاکی از آن است که انگلیسی‌ها نیز با سیاست‌هایی هدفمند و آگاهانه در ایجاد این وضعیت نقش داشتند. اقدامات آنها شامل خرید گسترده غله از بازارهای داخلی ایران، صدور آن به خارج و جلوگیری از واردات کالاهای اساسی به کشور بود. این سیاست‌ها فشار مضاعفی بر بازار داخلی وارد کرد و قیمت مواد غذایی را به طرز چشمگیری افزایش داد. هربرت هاوارد<sup>۱</sup> کنسول ایالات متحده آمریکا در ایران در باره تأثیر این سیاست‌ها چنین اظهار داشته است: «با شروع خصومت‌ها در اوت گذشته، واردات به ایران عملاً متوقف شد و در نتیجه قیمت اقلام خارجی به شدت افزایش یافت» (مجد، ۱۴۰۰: ۷۳).

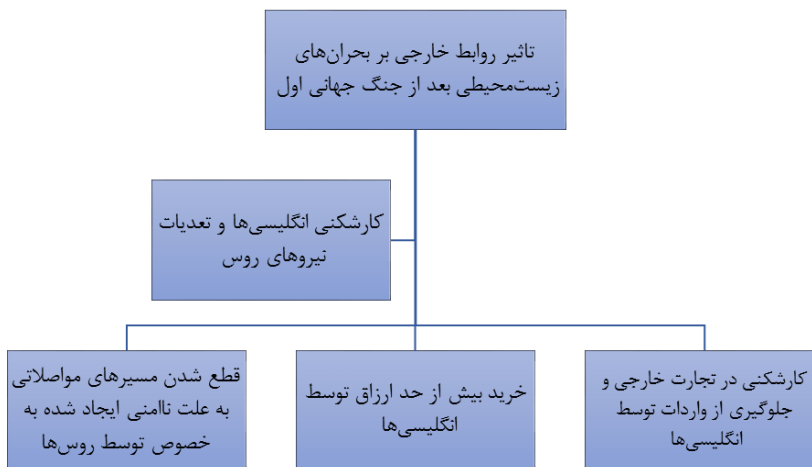
روزنامه زبان آزاد در شماره ۲۳ خود، مورخ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ق. / ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۷م. به گزارش اقدامات انگلیسی‌ها در این زمینه پرداخته است. این گزارش بیان می‌کند که مقامات انگلیسی با همکاری مأموران محلی و واسطه‌ها، گندم را با قیمت‌های گزاف از کشاورزان خریداری کرده و در انبارها ذخیره می‌کنند. این سیاست بدون توجه به پیامدهای انسانی آن از جمله گرسنگی و کمبود ارزاق در مناطق مجاور به اجراء درآمده است (زبان آزاد، ۱۹۱۷: ۳). این سیاست‌های خرید گسترده غله توسط انگلیسی‌ها به‌ویژه در استان‌های اصفهان، فارس، یزد و کرمان منجر به کمبود شدید مواد غذایی شد و نگرانی‌ها از وقوع قحطی گسترده را افزایش داد. روزنامه نوبهار در شماره ۷۳ خود، مورخ ۱۰ صفر ۱۳۳۶ق. / ۱۶ دسامبر ۱۹۱۷م. به این بحران اشاره کرده و می‌نویسد: «اگر چه به دلیل نباریدن باران، محصول سال گذشته کاهش یافته بود، اما این کاهش به تنهایی نمی‌توانست قحطی به این وسعت را ایجاد کند. در دو ماه و نیم گذشته، انگلیسی‌ها با سیاستی آگاهانه در جهت ایجاد گرسنگی و قحطی مشغول خرید گسترده ارزاق بوده و هر چه توانسته‌اند، به دست آورده‌اند» (نوبهار، ۱۹۱۷: ۱).

از دیگر عوامل تشدید بحران انسانی در آن دوره، مداخلات انگلیس در تجارت خارجی ایران و جلوگیری از واردات مواد غذایی به کشور بود. انگلیسی‌ها حتی از مبادلات تجاری ایران با ایالات

<sup>۱</sup>. Herbert D. Howe

متحده آمریکا نیز ممانعت می‌کردند. شرایط جنگی و اشغال نظامی مناطق جنوبی ایران نه‌تنها منابع تولید غذا را هدف گرفت، بلکه به تخریب زیرساخت‌های حمل‌ونقل، بازارهای محلی و شبکه‌های مبادله کالا نیز انجامید. نابودی این زیرساخت‌ها باعث شد تجارت داخلی مختل شود و بحران قحطی به شکلی غیرقابل مهار گسترش یابد (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۰-۱۰۸).

بررسی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مداخلات دول خارجی پس از جنگ جهانی اول نقشی مهم در ایجاد و تشدید بحران‌های زیست‌محیطی و انسانی ایران داشتند. این مداخلات از جمله قطع مسیرهای مواصلاتی، کاهش شدید واردات کالاهای اساسی و خریدهای گسترده و بی‌رویه منجر به افزایش شدید قیمت‌ها، احتکار و در نهایت قحطی گسترده شد. این بحران‌ها با شیوع بیماری‌های واگیردار همچون وبا و طاعون تشدید شدند و وضعیت نابسامان اقتصادی و بهداشتی کشور را وخیم‌تر کردند. در کنار این عوامل خارجی، مشکلات داخلی مانند بی‌کفایتی مسئولان و ضعف در مدیریت بحران، شرایط را بحرانی‌تر ساخت. نتیجه این عوامل ترکیبی، یکی از فاجعه‌بارترین چالش‌های زیست‌محیطی و انسانی در تاریخ ایران بود؛ به‌گونه‌ای که بنا به گزارش‌های یاد شده، بخش عظیمی از جمعیت کشور جان خود را از دست دادند. ایران با وجود اعلام بی‌طرفی در آغاز جنگ جهانی اول و فاصله جغرافیایی از کانون‌های اصلی درگیری در مقایسه با جمعیت و مساحت خود، یکی از بالاترین سطوح خسارات انسانی و اقتصادی را متحمل شد. این رویداد تاریخی نشان‌دهنده ترکیبی از تأثیرات خارجی و داخلی بود که دست به دست هم دادند تا کشوری آسیب‌پذیر را به یکی از بزرگ‌ترین فجایع انسانی عصر خود دچار کنند.



شکل ۴. تأثیر روابط خارجی بر بحران‌های زیست‌محیطی

## تأثیر بحران‌های زیست‌محیطی بر روابط خارجی پس از آغاز جنگ جهانی اول

همه‌گیری‌ها و قحطی‌های پی‌درپی که به عنوان مهم‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی پس از جنگ جهانی اول شناخته می‌شوند، تأثیرات عمیقی بر روابط خارجی ایران به‌ویژه در ابعاد اقتصادی و سیاسی برجای گذاشتند. کالدول در گزارشی تحت عنوان «فقر و رنج در ایران» به تاریخ ۲۶ ذیقعد ۱۳۳۵ ق. / ۴ اکتبر ۱۹۱۷ م. وضعیت وخیم ایران را اینگونه توصیف می‌کند: «کمبود مواد غذایی به‌ویژه گندم و انواع نان، سراسر ایران به‌ویژه مناطق شمالی و حاشیه‌ای و همچنین تهران را چنان در بر گرفته است که پیش از آغاز زمستان، فقر و رنج وسیعی پدید آمده است. تردیدی نیست که زمستان امسال مرگ و گرسنگی چند برابر خواهد شد. حتی در این زمان از سال، قیمت ارزاق به بالاترین حد خود در طی چندین سال گذشته رسیده است و کمبود غله و میوه‌جات حقیقتاً هشداردهنده است» (Caldwell, 1917: 891.48/31).

روزنامه رعد نیز در شماره ۱۱ مورخ ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ ق. / ۱۱ ژانویه ۱۹۱۸ م. چنین می‌نویسد: «به گزارش نظمیه، هفته گذشته ۵۱ نفر در اثر گرسنگی و سرما در خیابان‌های تهران جان باخته‌اند [.....]، حاکم تهران به وزارت داخله گزارش داده است که طی ۲۰ روز گذشته تعداد مردگان به‌ویژه به‌سبب قحطی در تهران به ۵۲۰ نفر رسیده است؛ یعنی به‌طور متوسط روزانه ۳۶ نفر» (روزنامه رعد، ۱۹۱۸: ۲).

گرچه ایران از آغاز جنگ جهانی اول بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود، اما مصائب بسیاری را از جنگ متحمل شد. ناامنی‌های زیست‌محیطی ناشی از قحطی و بیماری‌های واگیردار نه‌تنها شرایط داخلی ایران را بحرانی ساخت، بلکه پیامدهای منفی قابل‌توجهی بر روابط خارجی کشور به‌ویژه در حوزه تجارت خارجی به همراه داشت. پیش از جنگ جهانی اول، صادرات محصولات کشاورزی ایران همچون پنبه، میوه خشک، قالی و قالیچه، برنج، ابریشم، پوست و صمغ نقشی مهم در اقتصاد کشور ایفاء می‌کرد. اما با آغاز جنگ و به‌ویژه در سال‌های پایانی آن، صادرات ایران با کاهش چشمگیری مواجه شد. این افت صادرات، علاوه بر کاهش درآمدهای ملی، جایگاه ایران را در شبکه تجارت جهانی تضعیف کرد و آسیب‌های اقتصادی بلندمدتی به بار آورد (موسایی، ۱۳۹۰: ۳۷).

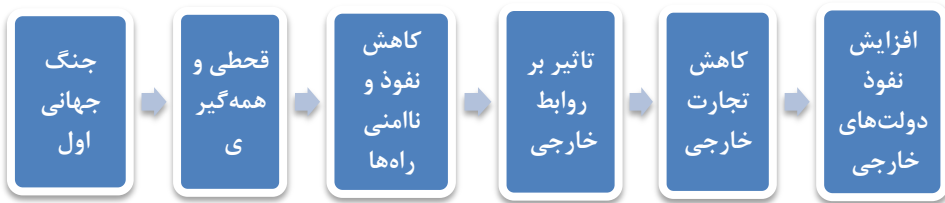
شواهد موجود نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ ق. / ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ م. صادرات خشکبار از ۷۰ میلیون به ۴۸ میلیون، پنبه از ۸۳ میلیون به ۲۴ میلیون، برنج از ۴۱ میلیون به ۲۴ میلیون و پوست دباغی نشده از ۲۰ میلیون به ۳ میلیون کاهش یافته است. هر چند عواملی چون پیروزی انقلاب در روسیه نیز در این تغییرات نقش داشته است (موسایی، ۱۳۹۰: ۳۹)، اما

نمی‌توان از تأثیر قحطی و کاهش جمعیت ایران بر این روند چشم‌پوشی کرد. به‌عنوان مثال در مورد کاهش صادرات قالی و قالیچه می‌توان به تأثیر مستقیم قحطی و ناامنی دوران جنگ بر کمبود نیروی کار روستایی اشاره کرد؛ چرا که در آن زمان، آذربایجان، خراسان، همدان، سلطان‌آباد و کرمان به عنوان مهم‌ترین مراکز قالی‌بافی در اواخر دوره قاجار شناخته می‌شدند و به دلیل قرار گرفتن در مسیرهای نظامی و تجاری بیشتر از سایر مناطق تحت تأثیر خصومت‌ها قرار گرفتند. همدان یکی از استان‌هایی بود که بیشترین آسیب‌ها را متحمل شد. از دلایل اصلی نابودی حیات اقتصادی مردم این ناحیه، غارت آذوقه و اموال منطقه برای تأمین نیاز نیروهای بیگانه بود. در این راستا، گزارشی از وزارت خارجه وقت مورخ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ ق. / اکتبر - نوامبر ۱۹۱۷ م. وضعیت آشفته این مناطق را چنین شرح می‌دهد: «هر روز علاوه بر قشون موجود، نیروهایی از کرمانشاهان یا قزوین به همدان وارد و خارج می‌شوند و بنابراین، برای تأمین آذوقه آنها نیاز به منابع داریم... قیمت گندم، جو و ذرت در منطقه حکومتی همدان به حدی رسیده که به ازای هر خروار به قیمت قران چرخ‌ای ایران خرید و فروش می‌شود... روس‌ها در روستاها گندم را تا هفتاد تومان خریداری کرده و به ولایات دیگر حمل می‌کنند» (ملایی، ۱۳۹۸: ۹۸). این گزارش‌ها نشان‌دهنده آن است که در این دوران، عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی به شدت فعالیت‌های تولیدی و مبادلات تجاری مردم را تحت تأثیر قرار داده است. بخشی از این عدم امنیت ناشی از کمبود ارزاق و گرسنگی بود که به کاهش تولید فرش در هر دو شیوه خانوار و کارگاه منجر شد (ملایی، ۱۳۹۸: ۹۹).

بحران‌های زیستی آن دوران به‌ویژه گرسنگی و قحطی، تأثیرات عمیقی بر روابط خارجی ایران در ابعاد سیاسی داشتند. این شرایط به انگلیسی‌ها امکان داد تا برای تأمین نیاز نیروهای خود در داخل و خارج از ایران، کنترل تجارت کشور با سایر ملت‌ها را در دست گیرند. چنین اقدامی به تقویت نفوذ سیاسی انگلیس در ایران انجامید، به‌ویژه پس از خروج نیروهای روس از کشور که خلأ قدرتی قابل توجه ایجاد کرده بود. از سوی دیگر، بحران‌های ناشی از جنگ جهانی اول که بازتابی از ضعف دیپلماسی و روابط خارجی ایران در این دوره بودند، روابط کشور را با دیگر قدرت‌ها از جمله روسیه، انگلیس و آمریکا به شدت تحت تأثیر قرار دادند. این تأثیرات به‌وضوح در دو حوزه اصلی قابل مشاهده‌اند: در عرصه سیاسی، نفوذ انگلیس در ساختار داخلی ایران افزایش یافت و موازنه قدرت به نفع این کشور تغییر کرد. در حوزه تجارت خارجی نیز کنترل بازار و منابع توسط انگلیسی‌ها منجر به محدودیت تعاملات تجاری ایران با دیگر کشورها و کاهش نقش اقتصادی کشور در منطقه شد. بحران‌های سیاسی و اقتصادی در دوره

جنگ جهانی اول، پیوندی مستقیم با تضعیف اقتدار حکومت قاجار داشتند. ناامنی در مسیرهای مواصلاتی، سقوط تولید کشاورزی، افزایش راهزنی و شورش‌های محلی و ناتوانی دولت در تأمین نیازهای اولیه مردم به تضعیف مشروعیت دولت قاجار و نهایتاً زمینه‌سازی برای کودتای ۱۲۹۹ منجر شد. این روند بیانگر آن است که بحران‌های زیست‌محیطی و امنیتی نه تنها پیامدهای اقتصادی، بلکه نتایج سیاسی بلندمدتی نیز در پی داشته‌اند (نعمتی و بیگدلو، ۱۴۰۱: ۷۴-۶۵).

به طور کلی میان روابط خارجی ایران در دوره جنگ جهانی اول و بروز و تشدید چالش‌های زیست‌محیطی در کشور، پیوندی مستقیم وجود داشته است. در آغاز جنگ، دولت قاجار با اعلام بی‌طرفی تلاش کرد تا ایران را از پیامدهای جنگ دور نگه دارد؛ با این حال، این بی‌طرفی با اشغال نظامی شمال و جنوب کشور توسط نیروهای روسیه و بریتانیا نقض شد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۳: ۷-۵). اشغال سرزمین، استفاده از منابع داخلی توسط نیروهای بیگانه و تقسیم مناطق نفوذ بر اساس قراردادهای محرمانه، عملاً استقلال اقتصادی و سیاسی ایران را از میان برد و کشور را در مسیر فروپاشی اقتصادی قرار داد (محمدسلیمانی، ۱۳۹۷: ۷۸-۷۳). فقدان نهادهای نظارتی قوی و فساد گسترده در ساختار حکومتی داخلی در کنار سیاست‌های استعماری قدرت‌های خارجی به‌ویژه بریتانیا، بحران قحطی را از یک مسئله منطقه‌ای به یک فاجعه گسترده ملی بدل کرد (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۹۹-۹۷). نیروهای انگلیسی با خرید اجباری، مصادره و احتکار غلات مناطق جنوبی ایران عملاً ذخایر غذایی کشور را به شدت کاهش دادند و مسیرهای توزیع داخلی را مختل ساختند (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۴-۱۰۲). علاوه بر این، با اعمال ممنوعیت بر صادرات غلات به سایر نقاط ایران، یک نوع قرنطینه غذایی تحمیلی ایجاد شد که پیامدهای شدیدی برای معیشت عمومی داشت (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۰۵). تخریب زیرساخت‌های حمل و نقل، نابودی بازارهای محلی و انسداد شبکه‌های مبادله کالا در نتیجه اشغال نظامی، نه تنها بحران غذایی را تشدید کرد، بلکه الگوهای معیشتی بومی را نیز دچار فروپاشی نمود. بنابراین، رابطه‌ای آشکار میان سیاست‌های مداخله‌جویانه قدرت‌های خارجی و بروز چالش‌های شدید زیست‌محیطی و معیشتی در ایران دوره جنگ جهانی اول وجود داشته است.



شکل ۵. افزایش نفوذ دولت‌های خارجی در دوران قحطی

### نتیجه‌گیری

برهم‌کنش چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی ایران در عصر قاجار نشان می‌دهد که بحران‌هایی نظیر قحطی، گرسنگی و اپیدمی‌های ویرانگر تنها پدیده‌های طبیعی نبودند، بلکه در تعامل پیچیده‌ای با ساختار سیاسی و دیپلماتیک آن دوره قرار داشتند. این چالش‌ها که امنیت زیستی و اجتماعی کشور را تهدید می‌کردند، نه تنها ناشی از عواملی همچون کم‌آبی، خشکسالی و ضعف زیرساخت‌های بهداشتی بودند، بلکه از ناتوانی حکمرانان در تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر داخلی و خارجی نیز سرچشمه می‌گرفتند. شواهد تاریخی حاکی از آن است که ضعف دیپلماسی ایران و وابستگی بیش از حد به قدرت‌های خارجی عملاً زمینه‌ساز افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی این قدرت‌ها در کشور شد. در این میان، جنگ‌های ایران و روس، ورود بدون برنامه لیبرالیسم از طریق تجارت و بی‌توجهی به تأثیرات درازمدت تعاملات اقتصادی با کشورهای غربی، بحران‌های زیست‌محیطی را پیچیده‌تر کرد. برای نمونه انحصارگری انگلیس در تجارت ایران و بهره‌کشی از منابع غذایی کشور در دوره جنگ جهانی اول بر عمق فاجعه افزود و روابط خارجی ایران را بیش از پیش آسیب‌پذیر ساخت. این بحران‌ها به وضوح بر روابط خارجی ایران در دو حوزه اقتصادی و سیاسی تأثیر گذاشتند. کاهش صادرات محصولات کشاورزی و صنایع دستی به دلیل شرایط بحرانی کشور، از یک سو استقلال اقتصادی ایران را تضعیف کرد و از سوی دیگر، وابستگی بیشتر به واردات و تعاملات اقتصادی با کشورهای خارجی را به دنبال داشت. در حوزه سیاسی نیز بحران‌های زیستی مانند گرسنگی و همه‌گیری‌های فراگیر، فرصت‌طلبی قدرت‌های خارجی همچون انگلیس و روسیه را افزایش داد و استقلال سیاسی ایران را تحت‌الشعاع قرار داد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های زیست‌محیطی و روابط خارجی در عصر قاجار در یک رابطه دوسویه قرار داشتند؛ به‌گونه‌ای که هر یک می‌توانست عامل یا پیامد دیگری باشد. این تعامل دوسویه الگویی پدید آورد که اثرات آن در دوران پسا قاجار نیز مشهود بود. بررسی این رابطه می‌تواند به درک

عمیق‌تر از ریشه‌های بحران‌های ساختاری ایران در دوران قاجار و تأثیرات پایدار آن بر تحولات سیاسی و اقتصادی کشور کمک شایانی کند.

## منابع و مأخذ

### فارسی:

- امیراحمدی، هوشنگ، ۱۳۹۷، *اقتصاد سیاسی ایران در دوره قاجار*، تهران: نشر گستره.
- اوکازاکی، شوکو، قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ در ایران، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، آینده، ۱۳۶۵، ۱۲ (۱، ۲ و ۳)، صص. ۲۸-۴۱.
- جعفری، الهه، بشیر اسماعیلی و اسماعیل شفیعی سروسناتی، تأثیر مسائل بین‌المللی در بدل شدن قحطی بزرگ ایران (۱۲۹۶-۱۲۹۸) به یک فاجعه تاریخ، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴۰۳، ۱۶ (۵۸)، ۲۰-۱.
- دهقان‌نژاد، مرتضی و الهام لطفی، بیماری تیفوس، پیامد وقوع و گسترش جنگ جهانی دوم در ایران، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۸۹، ۱۲ (۴۵)، صص. ۶۷-۵۱.
- رنجبر، محمدهادی، بهمن حاجی‌پور و حمیدرضا یزدانی، کاربرد روش ردیابی فرایند در پژوهش‌های سازمان و مدیریت، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۴۰۱، ۲۸ (۱۱۲)، صص. ۶۴-۴۹.
- سیف، احمد، ۱۳۷۴، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- طالبان، محمدرضا، تأملی بر تکنیک ردیابی فرآیند در مطالعات انقلاب اسلامی ایران، *پژوهشنامه متین*، ۱۳۸۷، ۱۰ (۴۰)، صص. ۹۱-۱۱۶.
- علی‌زاده، عمران و زهرا پیشگاهی‌فرد، امنیت زیست‌محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱، *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی)*، ۱۳۹۰، ۶ (۱۴)، صص. ۱۱۹-۱۰۷.
- فرهادی، علی، تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه (GPA) بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، *امنیت ملی*، ۱۳۹۹، ۱۰ (۳۸)، صص. ۲۱۶-۱۸۵.
- قنبری‌مله، زهرا، قحطی بزرگ در ایران و تأثیر آن بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران پیش از قدرت‌گیری پهلوی اول، *فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*، ۱۴۰۲، ۴ (۴)، صص. ۴۵-۲۵.
- کلویانی‌راد، مراد، امنیت زیست‌محیطی از منظر ژئوپلیتیک، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۳۹۰، ۱۱ (۲۳)، صص. ۸۵-۱۰۶.
- کثیری، مسعود و مرتضی دهقان‌نژاد، قرنطینه‌های ایران در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، *اخلاق و تاریخ پزشکی ایران*، ۱۳۹۲، ۴ (۶)، صص. ۶۲-۵۰.
- کرونین، استفانی، ۱۴۰۰، *نان و عدالت در ایران روزگار قاجار*، ترجمه: امیرحسین غلام‌پور و نیما شمسائی، تهران: ژرف.
- مجد، محمدقلی، ۱۴۰۰، *قحطی بزرگ*، ترجمه: محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- محمدسلیمانی، اعظم، پیامدهای جنگ جهانی اول در ایران، *تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۱۳۹۷، ۴۵ (۲۲)، صص. ۷۱-۸۶.
- مستوفی، عبدالله، ۱۳۴۳، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار)، تهران: کتابفروشی زوار.
- ملایی، مصطفی، بررسی و تحلیل تأثیر جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م. / ۱۳۳۲ق.) بر تولید و تجارت فرش ایران، *مطالعات تاریخی جنگ*، ۱۳۹۸، ۳ (۴)، صص. ۹۱-۱۱۶.
- ملک‌زاده، الهام، روایت اسنادی علل بروز قحطی مناطق جنوبی ایران طی جنگ جهانی اول، *مطالعات تاریخی جنگ*، ۱۴۰۰، ۵ (۱۵)، صص. ۹۵-۱۱۸.
- منبورگ، ژان، ۱۳۹۴، *بالتازار ماجراجوی طاعون: زندگی‌نامه پایه‌گذار انستیتو پاستور نوین در ایران*، ترجمه: منیژه یوسفی بهزادی، تهران: اندیشمند.
- موسایی، میثم، ۱۳۹۰، *تجارت خارجی ایران (در عهد قاجار و پهلوی)*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ناطق، هما، تأثیر اجتماعی-اقتصادی بیماری وبا در دوره قاجار، *تاریخ (ضمیمه‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی)*، ۱۳۵۶، ۱ (۲)، صص. ۳۰-۶۲.
- نعمتی، محمد و رضا بیگلرلو، پیامدهای اقتصادی بحران امنیت در ایران در دوره جنگ جهانی اول، *فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی*، ۱۴۰۱، ۱ (۳)، صص. ۴۷-۷۴.

### نشریات

- رعد، شماره ۱۱، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ هجری قمری، تهران
- زبان آزاد، شماره ۳، ۱۷ رمضان ۱۳۳۵ هجری قمری، تهران.
- زبان آزاد، شماره ۲۳، ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۵ هجری قمری، تهران.
- نوبهار، شماره ۷۳، ۱۰ صفر ۱۳۳۶ هجری قمری، تهران.

### لاتین:

- Buzan, B. 1991, *People, states and fear: The national security problem in international relations* (2nd ed.). Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf.
- Buzan, B., Wæver, O., & De Wilde, J. 1998, *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers.
- Caldwell, 1917, October 4, dispatch, 891.00/920.
- Graeger, N. Environmental security?. *Journal of Peace Research*, 1996, 33(1), 109-116.